

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۱۴، بازگشت دوباره مسیح، زمان بندی آن قریب الوقوع بودن، فاصله زمانی و جهل

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون و تدریس او در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان هستم. این جلسه ۱۴، بازگشت دوباره مسیح، زمان بندی آن، قریب الوقوع بودن، فاصله زمانی و جهل است.

ما مطالعات خود را در مورد آخرالزمان، به ویژه با بازگشت دوباره مسیح ادامه می‌دهیم.

ما شیوه آن را شخصی، قابل مشاهده و باشکوه توصیف کرده‌ایم. اکنون به زمان آن می‌رسیم. این موضوعی است که نه تنها باعث جنجال، بلکه ناامیدی و حتی ناباوری در تاریخ کلیسا شده است، زیرا مردم بارها و بارها به طرز احمقانه‌ای تاریخ‌هایی را برای بازگشت دوباره مسیح تعیین کرده‌اند، در حالی که به ما گفته شده است که هیچ کس دقیقاً نمی‌داند.

به نظر من، کلید ماجرا این است که ما تبدیل به متکلمان، کشیشان و مسیحیانی شویم که می‌خواهند از پس ماجرا بر بیایند؛ ما باید شعبده‌باز شویم. سه نوع مختلف تعلیم وجود دارد؛ من آنها را به توپ تبدیل می‌کنم؛ شروع می‌شود، عبارات قریب الوقوع | ما باید همزمان سه توپ را در منطقه نگه داریم. هر توپ با حرف عبارات فاصله‌ای و از همه مهم‌تر، عبارات جهل.

قریب الوقوع بودن، وقفه، قریب الوقوع بودن. یعنی به ما گفته شده که در پرتو بازگشت دوباره مسیح و هرگونه فرجام‌شناسی که آن امید را دفن کند، زندگی کنیم؛ متأسفانه این یک انتقاد تاریخی از پسا هزاره‌گرایی است. از نظر تاریخی، این [ایدئولوژی] امید به بازگشت دوباره مسیح را کم‌رنگ کرده است.

این یک اشتباه است. ما قرار است در پرتو ظهور دوباره او زندگی کنیم. از سوی دیگر، عباراتی در فواصل زمانی وجود دارد.

البته، من قصد دارم این موضوع را با جزئیات از متون بررسی کنم. در متونی به ما گفته شده است که اتفاقات خاصی باید قبل از بازگشت دوباره عیسی رخ دهد. مهمتر از همه، بارها و بارها و به وضوح به ما گفته شده است که ما زمان بازگشت عیسی را نمی‌دانیم.

گذرگاه‌های قریب الوقوع. اینها گذرگاه‌های سختی هستند. می‌دانید، هوش، محافظی در برابر کفر یا حتی ارتداد نیست.

یکی از باهوش‌ترین انسان‌های تاریخ، آلبرت شوایترز، با مدارکی در موسیقی، الهیات و علوم، اینطور بود؟ او در نهایت به پرستش طبیعت روی آورد. در این متون، او کار شگفت‌انگیزی انجام داد. او نوشت و به سادگی دیدگاه لیبرال قدیمی از مسیح را در هم شکست.

لیبرال‌های قدیمی افرادی بودند که وقتی درباره زندگی عیسی می‌نوشتند، به چاه نگاه می‌کردند و انعکاس خودشان را در آب می‌دیدند. نه، او می‌گفت، عیسی یک پیامبر آخرالزمانی بود. او فقط یک معلم اخلاق نبود.

او آمد و درباره روزهای آخر و آمدنش و غیره، و همچنین نشانه‌های زمان و وقایع آینده صحبت کرد. متأسفانه، آلبرت شوایترز بر اساس این متون به این نتیجه رسید که عیسی اشتباه می‌کرد.

خب، من نتیجه نمی‌گیرم که عیسی اشتباه می‌کند، اما آنها سخت کوش هستند. متی ۹:۱، به راستی به شما می‌گویم، عیسی می‌گوید، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را پس از آمدنش با قدرت نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید. بلافاصله پس از آن، روایت تبدیل هیئت آمده است.

باید از تونی هوکما، آنتونی هوکما، تقدیر می‌کردم. در واقع، سه کتاب بزرگ او تأثیر شگرفی بر نویسندگی من تدریس و نویسندگی من نیز گذاشت، اگرچه من همیشه در حوزه‌هایی که او تدریس می‌کرد، نوشتم. اما کتاب او در مورد بشریت و گناه به تصویر خدا خلق شده است.

این کتاب فوق‌العاده‌ای است. نوشته‌های او واضح و درست هستند. او با دیگران منصفانه رفتار می‌کند.

او به خوبی با کتاب مقدس کار می‌کند. استفاده او از دستور زبان و نحو یونانی و اهمیت آن تا حدودی قدیمی است. برای مثال، او در مورد اشتباهات جزئی صحبت می‌کند، اما در کل، خوب است.

محکمه. واقعاً همین‌طور. و تعصب خودم هم آشکار می‌شود.

او درباره سنت اصلاحات می‌نویسد. کتاب او در مورد کاربرد نجات، که به مواردی مانند تولد دوباره، دعوت توجیه، تقدیس و غیره می‌پردازد، به لطف خدا نجات یافته است. و این بهترین کتاب است.

در آن زمینه کمبود کتاب وجود دارد. آن کتاب تا به حال بهترین کتاب در آن زمینه است. اما شاهکار او کتاب مقدس و آینده «بود».

این کتاب، کتابی مورد نیاز بود، زیرا کتاب‌هایی که در آن زمان رواج داشتند و بر انجیلی‌ها تأثیر گذاشته بودند فقط کتاب‌های مربوط به دوره‌های مختلف بودند. من به برادران و خواهران دوره‌های مختلف خود احترام می‌گذارم و به آنها به خاطر نوشتن در سطحی که مردم می‌توانند درک کنند، اعتبار می‌دهم. اما کتاب‌های دوایت پنتکاست، چارلز رایبری و جان والورد بسیار تأثیرگذار بودند.

کتاب مقدس مرجع جدید اسکوفیلد، به طوری که شاید اکثر آمریکایی‌ها نه تنها به آمدن دوباره مسیح اعتقاد داشتند، که خوب است، بلکه پیشاهزاره‌گرایی از نوع تدبیرگرا بودند. هوکما فصلی دارد که با احترام به تدبیرگرایی انتقاد می‌کند. این فقط سبک اوست.

او خیلی محترمانه صحبت می‌کند. اما کتابش دیدگاهی غیرهزاره‌ای ارائه می‌دهد. مهم‌تر از آن، سراسر کتاب بر اساس کتاب مقدس است و صرف نظر از دیدگاه شما، نکات زیادی برای توافق وجود دارد که واقعاً از آنها قدردانی می‌کنم.

به هر حال، من قصد دارم دیدگاه او را در مورد این سه متن و سپس آنچه را که از تفسیر دی.ای. کارسون بر انجیل متی به عنوان دیدگاه بهتر دریافته‌ام، ارائه دهم. هوکما می‌گوید این نمونه‌ای از پیش‌گویی‌های نبوی است که رستاخیز و آمدن دوم را با هم مرتبط می‌کند. او فکر می‌کند که عیسی اینجاست و آنها پادشاهی خدا را خواهند دید.

برخی از کسانی که اینجا ایستاده‌اند، تا زمانی که پادشاهی خدا را پس از آمدنش با قدرت نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید، اشاره‌ای به مرگ عیسی و به ویژه رستاخیز او است که پیش‌درآمدی از آمدن دوم مسیح

است. او کوتاه‌نمایی نبوی او را به سفر به غرب تشبیه می‌کند و وقتی برای اولین بار کوه‌های راکی را می‌بینید، مانند نقاط کوچکی در افق هستند. آنها بسیار نزدیک به هم به نظر می‌رسند. همانطور که به آنها نزدیک‌تر می‌شوید، کیلومترها و کیلومترها بین کوه‌های جداگانه فاصله وجود دارد و این همان کوتاه‌نمایی نبوی است.

این نگاه کلی است، و در این مورد، از آن تصویر بزرگ، به نظر هوکما، عیسی رستاخیز و بازگشت دوباره را در کنار هم قرار می‌دهد، زیرا هر دو موضوع یکسانی از جلال دارند، اما در واقع، ۲۰۰۰ سال بین آنها فاصله افتاده است و بازگشت دوباره او هنوز اتفاق نیفتاده است. این مفید است، و با این حال، فکر نمی‌کنم که صحبت از رستاخیز باشد. این ایده اساساً درست است.

فکر می‌کنم او در مورد تبدیل هیئت مسیح صحبت می‌کند که تجلی جلال و یک تصویر است، پیش‌نشان‌های، از آمدن دوم. تبدیل هیئت لحظه‌ای است؛ دوامی نداشت، تجلی کوتاهی از قدرت پادشاهی و جلال. پارتوسیا، آمدن دوم مسیح، ظهور او تجلی کامل آن خواهد بود.

آیه قبل را با مرقس ۹:۱ مقایسه کنید، هر که در این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنان من شرمند شود، مرقس، پسر انسان نیز از او شرمند خواهد شد وقتی که در جلال پدرش با فرشتگان مقدسش بیاید ۸۳۸ سپس می‌گوید، به راستی به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که طعم مرگ را نخواهند چشید تا زمانی که پادشاهی خدا را که پس از آن می‌آید، ببینند، پادشاهی خدا پس از آنکه با قدرت می‌آید. بنابراین پس از صحبت از آمدن دوم، می‌گوید، آنها طعم این را خواهند دید، و سپس بلافاصله پس از شش روز، عیسی پطرس، یعقوب و یوحنا را با خود برد، آنها را به کوهی بلند برد و در مقابل آنها تغییر شکل یافت.

بنابراین آن سه آیه با هم مرتبط هستند: ۸:۳۱، ۹:۱ و ۲. آیا این یک متن مشکل‌ساز است؟ مطمئناً همینطور است. و اگر این یک پیش‌بینی دقیق از آمدن دوباره مسیح بود، ما منظور شواهد را از این که این یک پیش‌بینی آخرالزمانی است، درک می‌کنیم؛ عیسی اشتباه می‌کرد. خب، شواهد اشتباه کرد که به متن انجیل مرقس توجه بیشتری نکرد.

کارسون، دی. ای. کارسون، مفسران، تفسیر و متی، این یک اشاره کلی است، نه صرفاً به رستاخیز، یا پنطیکاست یا موارد مشابه، بلکه به تجلی سلطنت سلطنتی مسیح، که پس از رستاخیز به طرق مختلف، از جمله تکثیر سریع شاگردان و مأموریت پیروی از آنها، به نمایش گذاشته شده است. به طور خاص، این در مورد تبدیل هیئت صحبت می‌کند، که در واقع تجلی جلال عیسی است، که در سال ۸۳۱ از آن صحبت شده است، و در انتظار قدرتی است که او هنگام بازگشت نشان خواهد داد. سه انجیل‌نویس تلاش می‌کنند راه‌هایی برای انتقال درخشندگی جلال عیسی، به شدت سفید، پیدا کنند، به گونه‌ای که هیچ کس روی زمین نمی‌تواند آنها را سفید کند.

انجیل‌های دیگر می‌گویند، به درخشندگی خورشید، یا شعله‌ور با نور فروزان، درخشندگی فروزان، و از این قبیل چیزها. یک متن برجسته دیگر، متی ۱۰:۲۳. بنابراین، من می‌پذیرم که اینها متون مشکل‌داری هستند.

دارم توضیحات احتمالی را به آنها می‌دهم. آیا با این کار سعی دارم از شر مقام و منزلت خلاص شوم؟ اوه، نه، نه، نه، نه.

من متقاعد شده‌ام که عیسی می‌خواهد ما در پرتو ظهور دوباره‌اش زندگی کنیم. و وقتی کارم با این موارد تمام شد، در این مورد مطالبی ارائه خواهم داد. نمی‌خواهم از موارد سخت صرف نظر کنم.

متی ۱۰، ۲۳. در پیشگویی آزار و اذیت، او در آیه ۲۲ می‌گوید: «به خاطر نام من، همه از شما متنفر خواهند شد، اما کسی که تا به آخر پایدار بماند، نجات خواهد یافت.» وقتی در شهری شما را آزار می‌دهند، به شهر دیگر فرار کنید.

زیرا به راستی به شما می‌گویم، پیش از آنکه پسر انسان بیاید، از تمام شهرهای اسرائیل عبور نخواهید کرد. هوکما، دوباره به این پیش‌گویی نبوی، یعنی دیدن کوه‌ها از دور و سپس از نزدیک، استناد می‌کند. اسرائیل تا . به وجود خود ادامه خواهد داد (Parousia) زمان ظهور پاروسیا

بلکه، من فکر می‌کنم این دیدگاه درست است که اگر به طور خودکار این کلمات را ببینیم که پسر انسان همیشه می‌آید و فقط از آمدن دوم او صحبت می‌کنیم، اشتباه می‌کنیم. کارسون، آمدن عیسی آمدنی برای داوری علیه یهودیان است که به غارت اورشلیم و تخریب معبد منجر می‌شود. من اعتراف می‌کنم که این یک مشکل است.

قبول دارم که این یک مشکل است. اما در این زمینه، این یک راه حل ممکن است. من این را بیشتر از ایده پیشگویانه هوکما برای کوتاه کردن طول [زمین] می‌پسندم.

آخرین مورد متی ۲۴:۳۴ است. من ادعا نمی‌کنم که همه پاسخ‌ها را دارم. من مشکلات را می‌پذیرم.

من برای هر کدام چند راه حل ممکن ارائه می‌دهم. و سپس با استناد به آیات واضح تأکید می‌کنم که ما باید در انتظار آمدن خداوند زندگی کنیم. و این باید بخشی از الهیات و زندگی ما باشد.

متی ۲۴:۳۴، ۳۲. از درخت انجیر درس بگیرید. به محض اینکه شاخه‌اش جوانه می‌زند و برگ می‌دهد، می‌دانید که تابستان نزدیک است.

به همین ترتیب، وقتی همه این چیزها را می‌بینید، می‌دانید که او نزدیک و در خانه است. به راستی، به شما می‌گویم، تا همه این چیزها رخ ندهد، این نسل از بین نخواهد رفت. آسمان و زمین از بین خواهند رفت، اما سخنان من هرگز از بین نخواهند رفت.

هوکما کار می‌کند. و من عاشق تونی هوکما هستم. دارم از او ایراد می‌گیرم.

من با پیشنهاد او مخالفم و راه‌حل‌های پیشنهادی او را ارائه می‌دهم. آنها وحشتناک نیستند، اما فکر می‌کنم راه‌حل‌های بهتری پیدا کرده‌ام. من از روی احترام به او این را می‌گویم، اما منظورم این نیست که مجبور باشم این تصور را ایجاد کنم که از او قدردانی نمی‌کنم.

من بیشتر از همه از کتاب او قدردانی می‌کنم. کتاب مورد علاقه من است. کتاب‌های خوب دیگری هم پیدا کرده‌ام، اما این کتاب مورد علاقه من در مورد چیزهای آخر زمانی است.

او می‌گوید، ژنیا، نسل، این نسل به معنای قوم یهود شورشی است. آنها تا زمانی که عیسی دوباره بیاید، ادامه خواهند داد. درست است، ژنیا، طبق فرهنگ لغت، می‌تواند به معنای قبیله، نژاد، نوع، نسل، معاصران یا عصر، زمان یک نسل باشد.

بنابراین هوکما، یک مبنای زبانی وجود دارد، اما باز هم، فکر می‌کنم کارسون بهتر است. ژنیا به معنی نسل است. منظور از آن، پریشانی آیات ۴ تا ۲۸ است، از جمله سقوط اورشلیم که در طول عمر نسلی که در آن زمان زندگی می‌کرد، اتفاق می‌افتد.

تشکیل quo تعیین می‌کند. ما یک پایان آغازین، پایانی که از آن quo بنابراین، آیه ۳۴ یک پایان را به عنوان quo، متمایز می‌کنیم. بنابراین، یک پایانه به عنوان quem می‌شود را از یک پایان پایانی، و یک پایانه به سمت . تعیین می‌کند parousia یک پایانه آغازین، و برای

این اتفاق نمی‌تواند رخ دهد تا زمانی که وقایع آیات ۴ تا ۲۸، همگی در طول یک نسل پس از سال ۳۰ میلادی، رخ دهد. اما هیچ پایان قطعی برای این مصیبت وجود ندارد، جز خودِ پاروسیا. البته، در تفسیر مفسر بر متی، مرقس و لوقا، صفحه ۵۰۷، تیطوس ۲: ۱۳ عبارت بهتری در مورد قریب‌الوقوع بودن [ظهور] است.

من با موارد دشوار سر و کار داشته‌ام. امیدوارم بیشتر از این، رضایت شما را جلب کرده باشم. من شخصاً به راه‌حل‌های جدید اعتماد کامل ندارم.

و باز هم، من به مشکلات اعتراف می‌کنم. اگر فکر می‌کنید آموزه‌ای دارید که هیچ مشکلی ندارد، به اندازه کافی عمیق مطالعه نکرده‌اید. باور کنید یا نه، کتاب مقدس، اول از همه، یک کتاب الهیات سیستماتیک نیست.

این یک کتاب داستان است که داستان واقعی خدا را روایت می‌کند. همه کتاب‌های مقدس الهام‌بخش و برای آموزش مفید هستند. دوم تیموتائوس ۳: ۱۶، ۱۷، اما ما تمام تلاش خود را می‌کنیم.

اما من راه حل‌های آسان برای مسائل سخت را دوست ندارم. در این مورد، فکر می‌کنم راه حل‌های معقولی دارم، شاید عالی نباشند، اما برای مسائل سخت معقول هستند. اما آن را علامت بزنید.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ظهور قریب‌الوقوع است. منظوم تیطوس دوم است، نه تیطوس دوم. تیطوس ۲: ۱۳، ۲: ۱۱، زیرا فیض خدا ظاهر شده و نجات را برای همه مردم به ارمغان آورده است.

فیض نه تنها ما را نجات می‌دهد، بلکه تعلیم نیز می‌دهد؛ فیض تعلیم‌دهنده است. ما را تربیت می‌کند تا از بی‌دینی و شهوات دنیوی دست بکشیم و در عصر حاضر زندگی خویش‌ن‌دار، درستکار و خداترسانه داشته باشیم. در انتظار امید مبارک و ظهور جلال خدای بزرگ و نجات‌دهنده‌مان، عیسی مسیح، که خود را برای ما فدا کرد تا ما را از هرگونه بی‌قانونی رهایی بخشد و قومی را برای خود پاک سازد تا ملک خاص او باشند، که برای کارهای نیک غیورند.

یا در مورد اول یوحنا ۳ چگونه؟ من دارم نشان می‌دهم که بخش‌هایی وجود دارد که تعلیم می‌دهد خدا می‌خواهد کلیسا زنده بماند، در حالی که منتظر بازگشت عیسی است. ببینید پدر چه نوع عشقی به ما داده است (اول یوحنا ۱: ۳)، که ما باید فرزندان خدا خوانده شویم، و ما نیز چنین هستیم. دلیل اینکه دنیا ما را نمی‌شناسد این است که او را شناخت.

عزیزان، ما اکنون فرزندان خدا هستیم و آنچه خواهیم بود هنوز ظاهر نشده است، اما می‌دانیم که وقتی او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود، زیرا او را آنگونه که هست خواهیم دید. و هر که بدین گونه به او امید دارد خود را پاک می‌کند، همانطور که او پاک است. ما باید بپذیریم، به آیات قریب‌الوقوع ایمان داشته باشیم و در انتظار بازگشت مسیح زندگی کنیم.

در عین حال، یعنی می‌توانم با یک توپ تردستی کنم، مشکلی نیست. گرفتارم. راحت است، می‌گیرمش.

دو توپ، سخت‌تر، اما هنوز هم ممکن است. ممکن است. گذرگاه‌های یکپارچه.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که اتفاقات خاصی باید قبل از بازگشت دوباره عیسی رخ دهند. چگونه می‌توانیم آنها را با آیات مربوط به قریب‌الوقوع بودن ظهور هماهنگ کنیم؟ این تابع الهیات سیستماتیک است. من باید سه توپ را در هوا بگیرم، و سپس در مورد آن موضوع صحبت خواهیم کرد.

ما قرار نیست این کار را کاملاً انجام دهیم، اما به نظر می‌رسد نکته این است که خدا می‌خواهد هر یک از سه نوع گذرگاه، یا به عبارت دیگر سه توپ، به طرق خاصی بر ما تأثیر بگذارند، و او به دنبال نوعی تعادل است بنابراین، ما منتظر بازگشت دوباره عیسی هستیم. آیا این به معنای آن است که ما برنامه‌ریزی نمی‌کنیم؟ من مردی را می‌شناختم، راستش را بخواهید

میشه بیای و از طرف ما صحبت کنی؟ گفتم، حتماً. می‌تونی تو این تاریخ بیای؟ نه، نمی‌تونم. می‌تونم این ماه دیگه پیام

متاسفم، متاسفم. من معتقدم که عیسی برمی‌گردد، بنابراین نمی‌توانم برنامه‌ریزی کنم. فراموش کرده‌ام که سه ماه قبل از آن چه اتفاقی افتاده است.

او از من بزرگتر بود. می‌خواستم به او احترام بگذارم، و با خودم فکر کردم، خدایا، این مسخره‌ست. برنامه‌ی بلندمدت او دو ماه است، چون معتقد است عیسی برمی‌گردد.

من معتقدم که عیسی هم برمی‌گردد، و ما باید منتظر آمدنش باشیم، اما ممکن است این اتفاق ظرف سه ماه نیفتد. در واقع، آن زمان بیشتر از آن زمان بود، آن زمان خیلی سال پیش بود. اوه خدای من، دومی، منظورم متی ۲۴:۱۴ است.

من در مورد عقل دوم شدم. نمی‌دانم چرا. متی ۲۴:۱۴

من پیش‌بینی می‌کنم که با این به کجا خواهیم رسید. در نهایت، از متی ۲۴، از همان باب، از همان گفتمان، هر سه نوع متن را نشان خواهیم داد. این واقعاً به من نشان می‌دهد که ما باید هر سه را همزمان داشته باشیم.

متی ۲۴:۱۴. ما بعداً در مورد نشانه‌های زمان‌ها صحبت خواهیم کرد، اما هوکما ما را برجسته‌ترین و مشخص‌ترین نشانه زمان‌ها می‌نامد. متی ۲۴:۱۴، و این مژده پادشاهی در سراسر جهان به عنوان شهادتی برای همه ملت‌ها اعلام خواهد شد، و سپس پایان فرا خواهد رسید.

پیامد: انجیلی که به جهان می‌رود، مقدم بر پایان است. به نظر می‌رسد که در پایان باید اتفاقی بیفتد. آها، چگونه این را اندازه‌گیری کنیم؟ خب، این یک مشکل است.

مترجمان کتاب مقدس ویکلیف هنوز فهرستی از زبان‌ها برای ترجمه دارند. آیا آنها باید به سراغ... بروند، آیا این معنی را می‌دهد؟ من این کار را نمی‌کنم، کتاب مقدس آن را تعریف نمی‌کند، اما در واقع، همانطور که هوکما می‌گوید، بسیار هیجان‌انگیز است. برجسته‌ترین نشانه زمان‌ها، مشخص‌ترین زمان بین زمان‌های آمدن مسیح، فرمان موعظه انجیل است.

پسر، چقدر خدا در حال انجام یک ماموریت است. کتاب مقدس به این شکل ماموریتی است و ما از این بابت خوشحالیم. لوقا 24:21 در مورد ایده مشابهی صحبت می‌کند.

ببخشید، کمی نارساخوانی دارم. لوقا ۲۱:۲۴. عیسی نابودی اورشلیم را پیشگویی می‌کند، زمینه همین است.

اورشلیم را خواهید دید که توسط لشکرها محاصره شده است. آنگاه بدانید که ویرانی آن نزدیک شده است. کسانی که در یهودیه هستند، متی لوقا ۲۰:۲۱، کسانی که در یهودیه هستند به کوه‌ها فرار کنند و کسانی که در شهر هستند، آنجا را ترک کنند.

کسانی که در صحرا هستند، وارد آن نشوند، زیرا این روزهای انتقام است تا هر آنچه را که در آن روزها برای زنان باردار و شیرده نوشته شده است، به انجام رساند، زیرا پریشانی بزرگی بر زمین و خشم بر قوم او رخ خواهد داد. آنها به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان همه ملت‌ها به اسارت خواهند رفت و اورشلیم زیر پای غیریهودیان پایمال خواهد شد.

این را تماشا کنید تا زمان غیریهودیان به پایان برسد. به نظر می‌رسد زمان سلطه غیریهودیان فرا خواهد رسید. اورشلیم در سال ۷۰ میلادی نابود شد و تنها نابودی آن مقدمه‌ای برای ظهور مجدد خواهد بود.

به نظر می‌رسد که یک فاصله زمانی ضمنی وجود دارد. دوم تسالونیکیان ۲:۳ می‌گوید که ابتدا باید اتفاقی بیفتد. حال در مورد دوم تسالونیکیان ۲:۱. حال، در مورد آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما نزد او، ای برادران، از شما می‌خواهیم که به سرعت از یک روح یا یک کلام یا نامه‌ای که به نظر می‌رسد از ما باشد، مبنی بر اینکه روز خداوند فرا رسیده است، متزلزل نشوید و مضطرب نشوید.

نگذارید کسی به هیچ وجه شما را فریب دهد، زیرا آن روز نخواهد آمد مگر اینکه ابتدا شورش رخ دهد و مرد بی‌دین، فرزند هلاکت، و غیره، که معمولاً به عنوان چهره ضد مسیح در نظر گرفته می‌شود، آشکار شود. حال برخی گفته‌اند که ما باید منتظر ظهور عیسی باشیم، نه ضد مسیح. من موافقم. من آیات مربوط به قریب‌الوقوع بودن ظهور را در اولویت قرار می‌دهم، اما به نظر می‌رسد که باید قبل از آمدن دوم مسیح، یک چهره ضد مسیح آشکار شود.

در کنار متون مربوط به قریب‌الوقوع بودن ظهور، متون کاملی در مورد بازگشت عیسی وجود دارد، اما حدس بزنید چه می‌شود؟ خدا می‌خواهد ما به دنبال بازگشت قریب‌الوقوع او باشیم. اتفاقات خاصی باید اول رخ دهند، و من کاملاً به توانایی خود در تفسیر آن اتفاقات با توجه به قریب‌الوقوع بودن این متون اطمینان ندارم. اما اتفاقات خاصی باید رخ دهند. بنابراین، اگر عیسی در سه ماه یا سه سال یا 30 سال یا 300 سال آینده برنگردد، ما دست از تلاش بر نمی‌داریم و نمی‌گوییم که کتاب مقدس درست نیست، زیرا نشانه‌هایی وجود دارد که ممکن است وجود داشته باشد، مثلاً ما در تفسیر فواصل زمانی خیلی خوب نیستیم، مثلاً بگوییم که دجال از قبل وجود داشته است.

بنابراین، آیا ممکن است یکی از آن دجال‌های از پیش موجود، همان دجالی باشد که هنوز نیست؟ بله. آیا این موضوع در آن زمان برای ما آشکار خواهد شد؟ مطمئن نیستم. در هر صورت، مهمترین آنها، متون مربوط به جهل است.

از همه مهم‌تر، بخش‌هایی هستند که به ما می‌گویند نمی‌دانیم. چقدر غم‌انگیز. آه، ویلیام میلر، در اواسط دهه در کتابی به نام «ناامیدی بزرگ»، آمدن عیسی را پیش‌بینی کرد، ۱۸۰۰.

مردم با ردای سفید مناسب به کوه‌ها می‌رفتند، گاهی خانه‌ها و دارایی‌هایشان را می‌فروختند، و این واقعاً یک ناامیدی بزرگ بود. میلر دوباره محاسبه کرد و گفت که عیسی سال بعد می‌آید، بر اساس محاسبات ریاضی‌اش. از دانیال و مکاشفه و غیره، و در آن زمان افراد کمتری برای این سفر رفتند. با این حال، برخی این کار را کردند.

و این آموزه ادونتیست‌ها، ادونتیسم هفت روزه نامیده می‌شود. بازنگری دیگری در کار و ایده‌های پیامبر فرضی صورت گرفت. این اصلاً آمدن زمینی نیست.

این یک آمدن آسمانی است. عیسی از یک بخش از خیمه آسمانی که در عبرانیان به آن اشاره شده است، به بخش دیگری، به مقدس‌ترین مکان‌ها، می‌رود. خوب، این تا حدودی راحت است زیرا قابل اثبات نیست.

این قابل ابطال نیست، بنابراین می‌توانید این را بگویید و از وقوع آن بسیار هیجان‌زده باشید، زیرا نمی‌توانید نشان دهید که اتفاق افتاده یا نیفتاده است، درست است؟ آموزه‌های هفت روز ادونتیست‌ها در مورد داوری تحقیقی می‌گوید که او این کار را انجام می‌دهد. او به نوعی ما را بررسی می‌کند و می‌بیند که آیا ما با آن مطابقت داریم یا خیر، که به نظر من یک ایده ویرانگر است و به هیچ وجه کتاب مقدسی نیست، مطمئناً در کتاب عبرانیان، خدای من، که قطعیت مطلق کار نجات‌بخش مسیح را آموزش می‌دهد، چنین چیزی آموزش داده نشده است. این پذیرش مطلق توسط پدر است.

عیسی در دست راست خدا نشسته است. از این رو، این قدرت مطلق است که ما را به طور کامل از تمام گناهانمان نجات دهد. خدای من، عبرانیان ۹:۱۵، کار عیسی آنقدر باشکوه، آنقدر نهایی، پذیرفته شده و مؤثر است که اساس نجات برای مقدسین عهد عتیق است.

خدای من. و به قول عبری، عیسی رستگاری ابدی را محقق کرد. آه، من سوگواری می‌کنم.

و هارولد کمپینگ جدیدترین نمونه است. من خیلی خوشحالم که او توبه کرد و سپس به نزد خداوند رفت. من به عنوان یک مسیحی کاملاً جدید که در پنساکولا، نیوجرسی بزرگ شدم، در سن ۲۱ سالگی، به رادیو خانوادگی گوش می‌دادم و رئیس آن، هارولد کمپینگ، برنامه‌ای داشت.

و یا آن مرد کتاب مقدس را خوب می‌دانست، من حدس می‌زدم که او در دست چپ و راستش شاگردان مدرسه‌ی الهیات وست‌مینستر را دارد. اگر هم نمی‌دانست، پس کتاب مقدس را می‌دانست. خوب، من یک تازه‌مسلمان بودم.

، شاید مثل آن بچه‌ی کوچکی باشد که می‌گوید، کسی که حالا بزرگ شده و می‌گوید، رفیق، وقتی بچه بودم، برف خیلی بلند بود. بله، چون قد تو شصت و پنج سانتی‌متر بود. حالا قد تو شش فوت است.

اینطور نیست، به آن اندازه بالا نیست. و آیا این‌طور بود؟ نمی‌دانم. من یک دانش‌آموز سریع بودم، اما به هر حال، او می‌دانست چه کار می‌کند، و مرا تشویق و تربیت کرد.

برای مثال، او با اعضای فرقه‌ها خیلی صبور بود. اما حتی در آن زمان هم بیش از حد به خودش مطمئن بود. و البته، او هیچ وقتی برای مسیحیان کاریزماتیک یا پنطیکاستی نداشت.

او با آنها مثل مرتد رفتار می‌کرد. این طرز برخورد وحشتناک بود. در کل، او به من کمک کرد تا شاگرد شوم.

چیزهای زیادی یاد گرفتم. از نحوه برخورد او با کسانی که از نظر من مسیحیان خاصی هستند، خوشم نیامد. اما، و هیچ کدام از این بحث‌های پیش‌بینی وجود نداشت، اما یک تزریق کوچک، آغاز این ماجرا بود.

واقعاً نمی‌توانی؛ من حرف بهتری از کشیش شما دارم. خوب، این موضوع تا پایان دوران خدمتش بیشتر و بیشتر شد. می‌دانید، ۴۰ سال بعد، او می‌گفت به کلیسا نروید، به حرف من گوش کنید.

و متأسفانه، او تاریخ‌هایی را برای بازگشت دوباره مسیح تعیین کرد. عیسی گفت هیچ‌کس روز قیامت را نمی‌داند. درست است.

اما او نگفت ماه سال، سال ماه. انگار عیسی می‌خواست ما، به قول معروف. من یک بار جایی در پنسیلوانیا صحبت کردم PCA در یک کلیسای خوب.

و بزرگان من را در فرودگاه سوار کردند، یک بزرگتر این کار را کرد، و من را رساند. و کتاب کمپینگ، آیا اسمش بود یا هر چیز دیگری، یک کتاب. اوه، او آمدن دوباره را پیش‌بینی نمی‌کرد ۱۹۸۱

او داشت وقایعی را که درست قبل از آمدن دوباره مسیح اتفاق افتاد، پیش‌بینی می‌کرد. او داشت آمدن دوباره مسیح را پیش‌بینی می‌کرد. او با ما رک و راست نبود.

این مرد گفت، نظرت در مورد کتاب هارولد کمپینگ چیست؟ و بعد از اینکه بعضی از چیزهایی که من در مورد اینکه او چگونه به من کمک کرده و غیره به تو گفتم را گفت، گفتم، هرگونه پیش‌بینی در مورد آمدن دوباره مسیح اشتباه است. اوه، او پیش‌بینی نمی‌کند، می‌دانید. پس این مرد به این موضوع علاقه‌مند بود.

بسیاری از مردم وقتی دوباره پیش‌بینی‌های او اشتباه از آب درآمد، ناامید شدند. و باز هم، من خوشحالم که کمپینگ بالاخره از انجام این کار توبه کرد. این به خوبی گویای حال اوست.

این واقعاً برای او خوب است. یک کتاب و یک برنامه تلویزیونی خاص وجود داشت، یک شبکه تلویزیونی ۷۱ دلیل را برای وقوع ربایش در سال ۱۹۷۱ تأکید کرد. تاریخ را فراموش کرده‌ام.

چی بود؟ هشتاد و هشت دلیل برای اینکه قرار است در سال ۱۹۸۸، عروج مسیح اتفاق بیفتد. و این برنامه تلویزیونی این کتاب‌ها را برای تمام کشیشان در ایالات متحده فرستاد. گوش کنید. مهم‌ترین حقیقت در مورد زمان ظهور مجدد مسیح این است که ما نمی‌دانیم.

طبق نقشه خدا، حتی عیسی، وقتی روی زمین بود، نمی‌دانست. حالا، نمی‌دانم چرا پدر نمی‌خواست او آن موقع بداند، اما در اوج جلالش مطمئنم که عیسی حالا می‌داند چه زمانی برمی‌گردد. اوه، قول می‌دهم.

متی ۲۴:۳۶ تا ۵۱. می‌گویید این متن طولانی است؟ بله. و عیسی نسبتاً تأکیدی و تکراری است.

هیچ‌کس زمان را نمی‌داند. هیچ‌کس زمان را نمی‌داند. وای!

چرا مردم این کار را می‌کنند؟ گوش کنید، کتاب مقدس کتاب بزرگی است. می‌توانید با حجم زیادی از کتاب مقدس کار کنید و چیزهای مسخره‌ای را آموزش دهید. متی ۲۴:۳۶.

هیچ‌کس نمی‌داند چه روز و ساعتی بود. همین برای ما همین‌جا کافی است. حتی فرشتگان آسمان و پسر هم نه.

دوباره می‌گویم. پسر خدا تمام صفات الهی خود را در تجسم بر روی زمین داشت. او خداست.

او آنها را رها نکرد، اما از اعمال مستقل آن صفات دست کشید به طوری که فقط زمانی که اراده پدر بود، آنها را اعمال می‌کرد. آیا او گاهی از صفات الهی استفاده می‌کرد؟ بله، او استفاده می‌کرد. بله، او استفاده می‌کرد.

او کلمه‌ای گفت و طوفانی را آرام کرد. او ذهن حریفش را خواند. او گفت: «من هستم» و افرادی را که برای دستگیری او آمده بودند، نقش بر زمین کرد.

و غیره و غیره. او از قدرت الهی استفاده کرد، اما فقط به خواست پدر. هرگز از روی هوس، نه به دعوت شیطان، مثلاً در وسوسه.

به او نه معجزات، بلکه تنبیه داد. زیرا همانطور که در روزگار نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. همانطور که در روزگار قبل از طوفان بود، آنها می خوردند و می نوشیدند، ازدواج می کردند و شوهر می دادند.

شنیده‌ام که مردم می گویند در حال خوردن و آشامیدن، ازدواج و شوهر دادن بوده‌اند. این داستان درباره گناهان وحشتناک و هولناکی است که در چند روز گذشته مرتکب شده‌اند. نه، اینطور نیست.

آیا امروز چیزی خورده‌اید یا نوشیده‌اید؟ آیا ازدواج کرده‌اید یا فرزندان را می‌دهید؟ نه، این بدان معناست که همانطور که زندگی در زمان نوح به طور معمول ادامه داشت، همانطور نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، مردم منتظر بازگشت عیسی نخواهند بود. و آنها تا زمانی که سیل آمد و آنها را با خود برد، بی‌خبر بودند.

آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. آیه ۴۲، بنابراین، بیدار باشید. در پایان این آیه خواهیم دید که کارکرد اصلی زمان‌بندی آمدن دوم با توجه به قریب‌الوقوع بودن، وقفه زمانی و به ویژه جهل، این است که ما از نظر معنوی هوشیار باشیم.

این وظیفه اصلی دهان عیسی است. بیدار باشید. شما نمی‌دانید خداوند شما در چه روزی خواهد آمد.

بنابراین، ۴۴، شما باید برای پسر انسان آماده باشید، که در یک ساعت، ساعت دوم، روز، ماه، سال یا دهه می‌آید. منظور او در یک زمان است. او یک معیار زمان را از دیگری متمایز نمی‌کند.

انتظارش را نداری. خدای من. من حتی نمی‌خواهم به خواندن ادامه بدهم.

بارها و بارها تکرار شده است. مرقس ۱۳:۳۲ تا ۳۷. پیام واضح است.

این پیام تکرار می‌شود. پس چرا مردم تاریخ تعیین می‌کنند؟ من جواب خوبی ندارم، اما آنها اشتباه می‌کنند که این کار را می‌کنند. و آیا شما آنها را باور نمی‌کنید؟ این اتفاق دوباره خواهد افتاد.

و مردم از این موضوع به وجد می‌آیند. در واقع، این گاهی اوقات یک اشتباه مهلک بوده است. من در مورد مؤمنان کره‌ای که عاشق خداوند هستند، شنیده‌ام که در فرهنگ شرم و شرافت زندگی می‌کنند.

او تحت تأثیر یک پیامبر دروغین قرار گرفت که چنان متقاعد شده بود که مرد خداست و آنچه از دهانش بیرون می‌آید کلام خداست که آنها دارایی خود را فروختند. خانه‌های خود را فروختند و منتظر آمدن عیسی شدند، اما او نیامد. و برخی از آنها خودکشی کردند.

آنها خیلی شرمند بودند. آنها دیگر نمی‌توانستند با همسایگان خود روبرو شوند. این یک تعلیم وحشتناک و نادرست است.

و خداوند عیسی سعی می‌کند با نشان دادن و تکرار مکررات، آن را از ما محافظت کند. مرقس ۱۳:۳۲. با توجه به روز یا ساعت، هیچ کس نمی‌داند.

فقط پدر. تأکید اینجاست. مراقب باشید.

بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید آن زمان کی فرا می‌رسد. شما نمی‌دانید

اعمال رسولان ۱:۶ و ۷. آیا تو اکنون پادشاهی را خواهی آورد، عیسی؟ او همان پیامی را که در سخنرانی زیتون داد، می‌دهد. پروردگارا، آیا در این زمان پادشاهی را به اسرائیل بازخواهی گرداند؟ او به ایشان گفت، دانستن زمان‌ها یا اوقاتی که پدر با اقتدار خود تعیین کرده است، برای شما نیست. اما وقتی روح القدس بیاید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود.

این دغدغه شماست. بشارت، برنامه‌ریزی کلیسا، مأموریت‌ها. اول تسالونیکیان ۵: ۲ تا ۴. خدا فقط کافی است یک بار چیزی را به وضوح بگوید، و ما آن را باور می‌کنیم.

عیسی واقعاً در آن گفتمان آخرالزمانی بر این نکته تأکید کرد و حواریونش نیز با او موافق بودند. حالا، در مورد زمان‌ها و فصول، برادران. هاه

این درست مثل چیزی است که از مرقس خواندیم. نیازی نیست چیزی برایتان نوشته شود، زیرا خودتان کاملاً آگاه هستید که روز خداوند مانند دزد در شب فرا خواهد رسید. در حالی که مردم می‌گویند صلح و امنیت برقرار است، ناگهان هلاکت بر آنها نازل خواهد شد، همانطور که درد زایمان بر زن باردار نازل می‌شود و آنها فرار نخواهند کرد.

اما ای برادران، شما در تاریکی نیستید که آن روز مانند دزد شما را غافلگیر کند. زیرا همه شما فرزندان نور و روز هستید. ما از شب یا تاریکی نیستیم.

پس به برنامه توجه کنید. مانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار بمانیم. شما زمان را نمی‌دانید.

بله، موضوع اینجا قضاوت شدن کافران است، اما شما کافر نیستید. شما تاریکی نیستید. شما نور هستید.

شما می‌دانید که او دوباره می‌آید، اما اینطور نیست. شما هم تاریخی تعیین نمی‌کنید. او اینجا این را نمی‌گوید، اما اینجا تلویحاً اشاره می‌کند که ما می‌دانیم او می‌آید، و این باید بر نحوه زندگی ما تأثیر بگذارد.

قرار است ما آماده، بیدار و هوشیار باشیم، نه مست، همانطور که در متن آمده است. من دارم روی نکته‌ای تأکید می‌کنم. شاید شما هم نیاز داشته باشید که روی نکته‌ای تأکید شود.

شاید برای خودت لازم داشته باشی. یا شاید برای دوستت لازم داشته باشی. دارم روی نکته‌ای که گفتم پافشاری می‌کنم.

یک بار دیگر. متی ۲۵:۱۳. به راستی به شما، به آن نه باکره، می‌گویم که شما را نمی‌شناسم.

متاسفم. پنج نادان، پنج دانا. نکته‌ی اصلی مَثَلِ ده باکره اینجاست.

پس، بیدار باشید. دوباره برنامه‌ی کاربردی وجود دارد. بیدار باشید، چون شما نه روز را می‌دانید و نه ساعت را.

ببخشید. گیریکسم مشکل داره. به یه کم روغن گیریکس و یه کم آب نیاز دارم.

بنابراین، خلاصه‌ی ماجرا این است که ما باید در سه توپ، شعبده‌بازهای خوبی باشیم. توپ برجسته، توپ فاصله، و آن توپ نادانسته را آنجا قرار دهیم چون مهم‌ترین توپ است. به این گوش کنید

همان متن. او، آیا به اندازه کافی به مقام و منزلت رسیده‌ام؟ عبرانیان ۱۰، ۳۳. ما باید در انتظار بازگشت عیسی زندگی کنیم.

اگر آخرت‌شناسی شما باعث می‌شود که منتظر بازگشت عیسی نباشید، اگر این موضوع هیچ نقشی در آموزه‌ها، یا زندگی شما ندارد، اشتباه می‌کنید. همانطور که استاد عزیز الهیات من، رابرت جی. دانزویلر، به ما آموخت برای دریافت آموزه‌های کتاب مقدس، باید از کل کتاب مقدس استفاده کنید. آه، عبرانیان ۱۰:۳۷.

شما به استقامت نیاز دارید. عبرانیان برای مسیحیان یهودی مسلک نوشته شده است که باید در میان آزار و اذیت استقامت کنند و از انجیل مسیح و کلیسا روی برنگردانند. شما به استقامت نیاز دارید تا وقتی اراده خدا را انجام دادید، آنچه را که وعده داده شده است، دریافت کنید.

چهار، اما اندکی بعد، و آن که می‌آید، خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. این یک عبارت عالی است. او گفت: اندکی بعد.

هیچ فاصله‌ای وجود ندارد. قطعات فاصله‌دار وجود دارد. با این حال، کمی بعد، می‌توانیم آن را بفهمیم، درست است؟ نه، نه، قطعات بی‌معنی وجود دارد، و آنها بسیار برجسته هستند.

یک مورد دیگر، مکاشفه ۲۰:۲۲. کتاب مقدس با یک کلمه برجسته به پایان می‌رسد. بنابراین، کسی که به این «چیزها شهادت می‌دهد، می‌گوید: «مطمئناً من به زودی خواهم آمد»

آمین. بیا، ای خداوند عیسی. متی ۲۴، به طرز شگفت‌آوری و مفیدی، دارای فواصل و فرازهای برجسته‌ای از جهل است.

همون گفتمان. به همین خاطر می‌دونم که قراره شعبده‌باز باشیم. واقعاً می‌تونم شعبده‌بازی کنم؟ نه.

این ربطی به موضوع ندارد. امیننس ۲۴:۴۴. شما همچنین باید آماده باشید زیرا پسر انسان در ساعتی خواهد آمد که انتظارش را ندارید.

می‌دانم که این یک گذرگاه نادانسته است، اما شما باید برای آمدنش آماده باشید. این فاصله‌ی اوج گرفتن است. این اتفاقات باید اول رخ دهند، اما پایان فوراً نخواهد رسید.

لوقا ۲۱، ۹. این اتفاقات باید اول رخ دهند. پایان جهان فوراً فرا نخواهد رسید. شما می‌گویید، خب، آن اتفاقات، یعنی ویرانی اورشلیم، رخ داده است.

درست است. اما آیا انجیل به همه ملت‌ها رسیده است؟ خب، شاید. سنجش این چیزها سخت است.

گذرگاه‌های جهل. پس بیدار باشید. شما از آن روز یا ساعت خبر ندارید.

هر سه نوع متن. من می‌خواهم به متی ۲۴ برگردم و دوباره این کار را انجام دهم. این خیلی مهم است.

قبل از اینکه این سخنرانی را به پایان برسانیم. به ترتیب، فاصله ۲۴:۱۴. انجیل پادشاهی باید در سراسر جهان به عنوان شهادتی برای همه ملت‌ها اعلام شود.

و آنگاه پایان فرا خواهد رسید. پس، ای عالیجناب ۴۲. پس بیدار باشید

زیرا شما نمی‌دانید پروردگارتان چه روزی می‌آید. می‌گویید، اوه، یالا، این نادانی است. این یک گذرگاه نادانی است.

اما بیدار باش، قطعه‌ای از یک متن برجسته در متن یک نادان است. من از ابتدا گفته‌ام که مهم‌ترین این سه نادانی است. بنابراین، این برجستگی در متن نادانی است.

شکی نیست ۳۶. و بعد از آن. دوباره، و دوباره و دوباره

دیگر آن را نمی‌خوانم. ما باید هر سه را همزمان در هوا نگه داریم. ما باید هر سه چیز را باور کنیم

بنابراین، یک دیدگاه سالم از زندگی مسیحی و یک دیدگاه سالم از خدمت مسیحی می‌گوید که عیسی دوباره می‌آید. ما باید ظهور او را دوست داشته باشیم. ما باید در پرتو ظهور او زندگی کنیم

در واقع، خب، من به کارکرد آن خواهیم پرداخت. کارکردهای مختلفی وجود دارد. اصلی‌ترین آنها آمادگی معنوی است.

اما در متون مختلف عهد جدید، موارد متفاوتی وجود دارد که در سخنرانی بعدی به آنها خواهیم پرداخت. اما فعلاً، اجازه دهید سعی کنم هر سه را کنار هم قرار دهم. ما در پرتو آمدن عیسی زندگی می‌کنیم

ما منتظر ظهور او هستیم. این به ما شادی می‌دهد. ما را پاک می‌کند

این به ما آرامش می‌دهد. ما را تشویق می‌کند. دفعه‌ی بعد با قسمت‌هایی کار خواهیم کرد که این موضوع را ذیل کارکردها، کارکرد این تعلیم، بیان می‌کنند

اما در عین حال، ما برنامه‌ریزی می‌کنیم چون زمان را نمی‌دانیم. بنابراین، آن جهل واقعاً بر هر دو مورد دیگر تأثیر می‌گذارد، اینطور نیست؟ ما نمی‌دانیم، بنابراین برنامه‌ریزی می‌کنیم چون اتفاقاتی باید رخ دهند، و شاید برای توانایی ما در درک کامل، هنوز رخ نداده‌اند. اما مهمتر از همه، ما تاریخ تعیین نمی‌کنیم، و به کسانی که تاریخ تعیین می‌کنند، اعتماد نداریم، و به دوستانمان کمک می‌کنیم که همین کار را نکنند

آمدن دوباره مسیح، آموزه‌ای شگفت‌انگیز است. در ابتدای سخنرانی بعدی، زمانی را به آن اختصاص خواهیم داد و درباره کارکردهای آن صحبت خواهیم کرد. اما فعلاً همین کافی است

ما هر سه را با هم تأیید می‌کنیم: قریب‌الوقوع بودن، وقفه‌ها، و عمدتاً ناآگاهی ما از زمان بازگشت پروردگاران

این دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان است. این جلسه ۱۴ است. بازگشت دوم مسیح، زمان‌بندی آن، قریب‌الوقوع بودن، وقفه‌ها، و ناآگاهی